

# ابوبکر واسطی در آینهٔ حسنات العارفين داراشکوه

دکتر حمیدرضا عظیمی\*

## چکیده

ابوبکر محمدبن موسی الواسطی از عارفان مشهور نیمهٔ دوم سدهٔ سوم و ربع اول سدهٔ چهارم هجری است که اطلاعات معتبر اندکی از او به ما رسیده است. داراشکوه شاهزادهٔ دانشمند و صوفی مشرب شبه‌قاره به واسطی اهتمام خاصی داشته و در اثر خود به نام *حسنات العارفين* به او پرداخته است. در این مقاله این منقولات بررسی شده است.

**کلیدواژه‌ها:** واسطی، داراشکوه، حسنات العارفين.

## مقدمه

ابوبکر محمد بن موسی الواسطی (وفات: بعد از ۳۲۰ ق)، معروف به ابن الفرغانی، از معتبرترین عارفان و صوفیان ایران در نیمه دوم سده سوم و ربع اول سده چهارم محسوب می‌شود. اطلاعات ما از شرح احوال و سوانح زندگی او بسیار اندک است. هرچند منابع موثق و کهن او را در عداد کسانی که «علوم اشارات» را با «کتب و رسائل» نشر داده‌اند، قلمداد کرده‌اند (کلابادی، ص ۳۱، مستملی بخاری، ص ۲۳۱، خلاصه شرح تعرف، ص ۴۹) اما آثار ابن عارف و مفسر برجسته، عموماً به باد تطاول ایام رفته و جسته و گریخته اقوالی از او ثبت و ضبط شده است. برای شناخت واسطی باید مجموعه اقوال او را از مآخذ گوناگون و پراکنده بازجست و تدوین و تصحیح کرد.

محمد داراشکوه (۱۰۲۴-۱۰۶۹ق) شاهزاده با فرهنگ و دانشمند و صوفی مشرب شبه‌قاره به ابوبکر واسطی و اقوال او اهتمام خاصی داشته و در کتاب *حسانات العارفین* (تألیف ۱۰۶۴ق) به واسطی پرداخته است که در این مقاله این منقولات را بررسی می‌کنیم.

## مختصری درباره ابوبکر واسطی

از ابوبکر واسطی، با همه شهرتش، اطلاعات اندکی در صفحات کتب انساب، تاریخ، رجال و تذکره بر جای مانده است. حکایت از دیگران مشی و مرام واسطی نبوده و حکایاتی که دیگران درباره او نقل کرده‌اند نیز اندک‌شمار است. عمده اخبار درباره زندگی او را سلمی در *طبقات الصوفیه* (سلمی ۱، ص ۳۰۲) و نیز *تاریخ الصوفیه* - البته به نقل از خواجه محمد پارسا در *فصل الخطاب* - (خواجه محمد پارسا، ص ۵۱) نقل کرده است و آنچه در *حلیة الاولیاء* (اصفهانی، ج ۱۰، ص ۳۴۹)، *البیاض و السواد* (سیرجانی، ص ۲۲۲)، *الرسالة القشیریة* (قشیری، ص ۹۲)، *کشف المحجوب* (هجویری، ص ۱۹۴)، *طبقات الصوفیه هروری* (انصاری، ص ۴۳۲)، *مناقب الابرار* (ابن خمیس، ص ۴۹۵)، *المنتظم* (ابن جوزی، ج ۱، ص ۶، ج ۲، ص ۲۶۲)، شرح *شطحیات* (روزبهان بقلی، ص ۴۰)، *تذکره الاولیاء* (عطار، ج ۲، ص ۲۶۵-۲۶۶)، *تاریخ الاسلام* (ذهبی، ج ۲۴، ص ۳۲۰) و *نفحات الانس* (جامی، ص ۱۷۹) آمده بیشتر تکرار اطلاعات سلمی است.

از بررسی مجموعه اطلاعاتی که درباره واسطی داریم برمی‌آید که نام و لقب او عبارت

است از: ابوبکر محمد بن موسی الواسطی معروف به ابن الفرغانی (جز منابع پیشگفته نک: سراج، ص ۲۲۸؛ سلمی ۳، فیلم شماره ۲۰۷۷ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، گ ۳۳ ر). منابع ما درباره تاریخ ولادت واسطی سکوت کرده‌اند. از آنجا که از قدمای اصحاب جنید بغدادی (وفات: ۲۹۸ق) و ابوالحسین نوری (وفات: ۲۹۵ق) و در طبقه حلاج (مقتول: ۳۰۹ق) و ابن عطا آدمی (وفات: ۳۰۹ یا ۳۱۱ق) بوده است می‌توان حدس زد که در نیمه قرن سوم زاده شده باشد. اصل او را از خراسان (سیرجانی، ص ۲۲۲؛ قشیری، ص ۹۲؛ انصاری، ص ۴۳۲) و محل تولد او را فرغانه نوشته‌اند (سلمی ۱، همان‌جا؛ اصفهانی، ج ۱۰، ص ۳۴۹؛ عطار، ج ۲، ص ۲۶۵).

درست معلوم نیست که واسطی چه زمانی به عراق عرب رفته و در بغداد در حلقهٔ مریدان جنید وارد شده است اما از منابع بر می‌آید هنگامی که جوان بوده و مشایخش (= جنید و نوری) هنوز زنده بودند از عراق خارج شد (سلمی ۱، انصاری، همان‌جاها) و به خراسان هجرت کرد و «می‌گفت: شهر به شهر می‌گردم در آرزوی نبوشنده» (انصاری، همان‌جا). پس در خراسان سخن گفت (سلمی ۱، همان‌جا) و چون «عباراتی غامض و اشاراتی مشکل داشت» (هجویری، ص ۱۹۴)، سخنانی که در مباحث تصوف و بخصوص مسایل توحید گفت در حوصلهٔ اهل عصر ننگنجد، چنانکه «در هر شهری که آمد زودش بدر کردند» (انصاری، ص ۴۳۳). می‌دانیم که واسطی در خراسان مدتی در نیشابور بود (حاکم نیشابوری، ص ۱۲۷، انصاری، همان‌جا) و پس به طوس رفت (خواجه محمد پارسا، ص ۵۱ که از تاریخ الصوفیه سلمی نقل می‌کند) و از طوس به ابیورد آمد و از آنجا به مرو رفت (سلمی ۱، همان‌جا؛ عطار، ج ۲، ص ۲۶۶). اقامت واسطی در مرو تا پایان عمرش ادامه یافت و همهٔ منابع اتفاق دارند که او در مرو درگذشت. از نوشتهٔ سمعانی (وفات: ۵۶۲ق) بر می‌آید که واسطی در مرو خانقاهی داشته است و این خانقاه تا جمادی‌الاولی سال پانصد و بیست و اند معمور و برقرار بوده است (سمعانی، ج ۳، ص ۳۵۲).

تاریخ وفات او به نقل از سلمی بعد از سیصد و بیست است (سلمی ۱، همان‌جا؛ ابن خمیس، ص ۴۹۵). ابن جوزی سال درگذشت واسطی را ۳۲۱ق و صاحب تاریخ‌گزیده ۳۲۶ق نوشته است. ذهبی نام واسطی را در طبقهٔ سی و سوم (وفات: ۳۲۱ تا ۳۳۰) آورده و اذعان کرده که تاریخ دقیق مرگ واسطی را نمی‌داند (ذهبی، همان‌جا). خاکجای واسطی در مرو است و دست کم تا نیمهٔ دوم قرن پنجم، تربت او «معروف و مشهور» بوده است (انصاری، همان‌جا).

## آثار واسطی

کلابادی واسطی را در عداد کسانی برمی‌شمرد که با «کتب و رسایل» نشر «علوم اشارات» کرده‌اند (کلابادی، ص ۳۱؛ مستملی بخاری، ص ۲۳۱). با توجه به فراوانی اقوال واسطی در زمینه تفسیر قرآن می‌توان تصور کرد که کتاب تفسیری داشته است یا دست کم در دفتری مجموعه‌ای از اقوال تفسیری او گرد آمده باشد.

بخشی از «کتاب» (= نامه و نوشته) او «به اهل بلخ» در *حقایق التفسیر* ثبت شده است (سلمی ۳، فیلم شماره ۸۲۳۹، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، گ ۱۴۵؛ سلمی ۲، ج ۲، ص ۲۷۵-۲۷۶). در مجموعه شماره ۲۰۵۲ کتابخانه ایاصوفیا رساله کوتاهی در «حد» و تعریف به ابوبکر واسطی نسبت داده شده است که اگر این نسبت درست باشد جالب توجه است. این مجموعه میان سال‌های ۶۸۵ تا ۶۸۷ ق تدوین شده است. رساله نامی ندارد ولی دانش‌پژوه آن را «الحدود» نامیده است (دانش‌پژوه، ص ۴۴۷).

گفتنی است که شیخ روزبهان بقلی شنیده بود که «حامیم القدم نام کتابیست که واسطی تصنیف کرد» (روزبهان بقلی، ص ۴۵۵). البته در همان جا به نقل از «قطب جاکوس کردی» این کتاب به حلاج نیز نسبت داده شده است. در فهرست‌ها و کتابشناسی‌ها چنین کتابی به واسطی نسبت داده نشده است (نک: بروکلمان، ج ۴، ص ۷۳-۷۴؛ سزگین، ج ۱، ص ۹۶۴).

## ترجمه اقوال واسطی پیشکش به داراشکوه

در میان نسخه‌های خطی فارسی مجموعه آسیایی بنگال، نسخه‌ای وجود دارد به شماره ۱۲۷۳ که ایوانف آن را با عنوان ترجمه اقوال واسطی معرفی کرده است. بر مبنای نوشته ایوانف شخصی به نام ابراهیم مسکین از کتاب‌های بسیار مجموعه‌ای از اقوال واسطی را گردآورده و به فارسی ترجمه نموده و به سال ۱۰۶۷ ق به شاهزاده داراشکوه پیشکش کرده است (Ivannow.p.612؛ بروکلمان، سزگین، همان‌جا؛ منزوی، ج ۷، ص ۱۹۹).

## اقوال واسطی در حسنات العارفین

داراشکوه در سال ۱۰۶۲ ق به تألیف کتابی در موضوع شطحیات عارفان و صوفیان آغازید و در سال ۱۰۶۴ ق آن را به انجام رسانید. او این کتاب را *حسنات العارفین* نامید که مجموعه‌ای

است از شطحات ۱۰۷ عارف با شرحی موجز. او در شیوه تألیف این کتاب به شرح شطحیات اثر معروف شیخ روزبهان بقلی شیرازی (وفات: ۶۰۶ق) نظر داشته و از آن بسیار بهره برده است. البته تأکید داشته که برخلاف روزبهان ساده و موجز به شرح شطحیات پردازد. با بررسی اقوالی که داراشکوه در این کتاب از واسطی نقل و شرح کرده است معلوم می‌شود که داراشکوه در تألیف *حسنات العارفین* جز شرح شطحیات روزبهان به آثار دیگری هم مراجعه داشته است. در اینجا به بررسی مآخذ تعدادی از اقوال واسطی در *حسنات العارفین* می‌پردازیم.

۱. شطح الهی: «هو الاول و الآخر والظاهر والباطن» (۵۷:۳) «یعنی وجود منحصر در من است و همه منم. واسطی فرمود که در این آیه هیچ چیز وجود نگذاشت و همه خود شد» (داراشکوه، ص ۴).

این قول واسطی در شرح شطحیات نیامده است. اما در *حقایق التفسیر سلمی* ذیل آیه فوق آمده: قال الواسطی: لم يدع للخلق نفساً بعد ما اخبر عن نفسه انه الاول و الآخر و الظاهر و الباطن (فیلم شماره ۲۲ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، گ ۱۴۸؛ سلمی ۲، ج ۲، ص ۲۰۵؛ ثعلبی، ج ۹، ص ۲۳۰).

۲. از واسطی پرسیدند که مریدان ابوعثمان حیری را چون دیدی؟ گفت: «پیر ایشان نیاموخته است ایشان را مگر مجوسیت» (داراشکوه، ص ۱۸).

این قول واسطی در شرح شطحیات نیامده است. اصل آن تا آنجا که جسته‌ایم *رساله قشیریه* است:

«سمعت الاستاذ ابا علی الدقاق، رحمه الله، يقول: لمادخل الواسطی نیشابور، سأل اصحاب ابی عثمان: بماذا كان يأمرکم شیخکم؟ فقالوا: كان يأمرنا بالتزام الطاعات و رؤیة التقصیر فیها. فقال: امرکم بالمجوسیه المحضه هلاً امرکم بالغیبه عنها بشهود مجریها و منشیها (قشیری، ص ۱۲۴؛ انصاری، ص ۴۳۳؛ عطار، ج ۲، ص ۲۶۸): (از استاد ابوعلی شنیدم که چون واسطی به نیشابور آمد اصحاب ابوعثمان را پرسید که پیر شما چه می‌فرماید شما را؟ گفتند به طاعت دائم و تقصیر دیدن اندرو. گفت: این گبرکی محض است که شما را می‌فرماید چرا غیبت نفرماید شما را از آن، به دیدن آفریننده و راننده آن بر شما. (عثمانی، ص ۹۲).

۳. واسطی گوید: «هر که ذکر او کرد، بر او بهتان کرد و هر که صبر کرد دلیری نمود

به او و هر که شکر کرد، تکلف نمود» (داراشکوه، همان جا).

در شرح *سطحیات* (روزبهان بقلی، ص ۲۸۰) این گفتار آمده است. پیش از روزبهان نیز این قول در *طبقات الصوفیه* انصاری آمده بوده است (انصاری، ص ۶۵۴).  
۴. هم وی [=واسطی] فرموده است: «غفلت ذاكران از عوام الناس بیشتر است» (داراشکوه، همان‌جا).

در شرح *سطحیات* نیامده است. اصل آن در *طبقات الصوفیه* ذکر شده است: «سمعت الشيخ ابا عبدالله الخضرى الفقيه، يقول: سمعت ابا العباس السيارى، يقول سمعت ابا بكر الواسطى يقول «الذاكرون - فى ذكره - اكثر غفلةً من الناسين لذكره، لان ذكره سواء» (سلمی، ۱، ص ۳۰۵؛ عطار، ج ۲، ص ۲۶۷): «یادکننده را اندر یاد کرد وی غفلت زیادت بود از فراموش‌کننده ذکر وی» (هجوی، ص ۱۹۵).

۵. واسطی در تفسیر آیه «ولا يأمرکم ان تتخذوا الملائکه و النبیین اربابا» (۸۰:۳) ... فرماید: «بر تو باد که در راه حق ملاحظهٔ حبیب و کلیم نکنی. پرسیدند که بر ایشان صلواتهم نفرستیم؟ گفت: صلوات به وقار دهید و بدانید که ربوبیت در عبودیت جلوه‌گر شده است لیکن در دل خویش ایشان را مقدار منهد» این شطحی است پس بلند (داراشکوه، همان‌جا).  
در شرح *سطحیات* (روزبهان بقلی، ص ۲۹۶) آمده است (نیز نک: ابن جوزی، ۲، ص ۱۹۵) که از ابونصر سراج نقل می‌کند ولی در *اللمع* نیست.

معلوم نیست داراشکوه بر چه مبنایی گفته که واسطی این قول را در تفسیر آیه مذکور گفته است. در نسخه‌های *حقایق التفسیر* که مورد رجوع ما بوده و در *زیادات حقایق التفسیر* سلمی این قول ذیل آیهٔ مزبور ذکر نشده است.

۶. واسطی در تفسیر آیه «وان اقم وجهک للدين حنیفا ولا تکونن من المشرکین» (۱۰۵:۱۰) فرموده: اعتماد مکن بر صلوات و طاعات که از راه فضل و رحمت بیراه گردی» (داراشکوه، ص ۱۹).

این قول نه در شرح *سطحیات* و نه در سایر مآخذی که مورد رجوع ما بوده نیامده است.  
۷. واسطی ناتمامی را دید که نماز می‌گزارد. گفت: بیزارم از آن معرفت که به عوض حاصل شود. هر چه را گرمی کردند در ازل کردند اگر به عوض بودی فضل نبودى (داراشکوه، همان‌جا).

در شرح *سطحیات* آمده است (روزبهان بقلی، ص ۳۰۰). این قول فقط از طریق روزبهان

- نقل شده است و در سایر مأخذی که مورد رجوع ما بوده نیامده است.
۸. واسطی گوید که: «من پسر ازل و ابدم. نه پسر آب و گل» (داراشکوه، همان‌جا).  
در شرح *شطحیات* آمده است (روزبهان بقلی، ص ۳۰۱). اصل این گفتار هم در حقایق التفسیر است: «قال الواسطی فی هذه الآیه «کونوا ربانیین» (۷۹:۳) لأن تکون ابن الازل و الابد خیر لک و احسن بک من ان تکون من ابناء الماء و الطین و الافعال و الاحصاء و العدد (فیلم شماره ۲۰۷۷ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، برگ ۱۹پ، تفسیر السلمی، ج ۱، ص ۱۰۴).
۹. واسطی گوید که: «همه به وهم مردند حتی بایزید که او هم به وهم رفت» (داراشکوه، ص ۱۹).
- در شرح *شطحیات* آمده است (روزبهان بقلی، ص ۳۰۶). این قول فقط از طریق روزبهان نقل شده است و در سایر مأخذی که مورد رجوع ما بوده نیامده است.
۱۰. واسطی گوید که: «هر که نفس خود را ملامت کرد، با خدا شریک گرفت» (داراشکوه، همان‌جا).
- در شرح *شطحیات* آمده است (روزبهان بقلی، همان‌جا) این قول فقط از طریق روزبهان نقل شده است و در سایر مأخذی که مورد رجوع ما بوده نیامده است.
۱۱. واسطی فرماید که: «ایمان مقرب نیست و کفر مبعده نه» (داراشکوه، ص ۲۰).
- در شرح *شطحیات* آمده است (روزبهان بقلی، ص ۳۱۱) این قول فقط از طریق روزبهان نقل شده است و در سایر مأخذی که مورد رجوع ما بوده نیامده است.
۱۲. واسطی در تفسیر آیه «فاتقوا الله و اطیعوا» (۶۳:۴۳) فرمود که: «قوی اولین منزل راه است و این راه را نهایی و غایتی نبود که چون به آن رسید، فارغ شوند و حقیقت تقوی آنست که از تقوی هم تقوی نمایند (داراشکوه، همان‌جا).
- در شرح *شطحیات* نیامده است. در مأخذی که مورد رجوع ما بوده رساله قشیریه قدیمترین منبع این قول است: «قال الواسطی: التقوی ان یتقی من تقواه» (قشیری، ص ۱۹۰): «واسطی گوید تقوی آن است که از تقوی خویش متقی باشد» (عثمانی، ص ۱۶۲؛ عطار، ج ۲، ص ۲۷۸).
- معلوم نیست داراشکوه بر چه مبنایی گفته که واسطی این قول را در تفسیر آیه مذکور گفته است. در نسخه‌های *حقایق التفسیر* که مورد رجوع ما بوده و در *زیادات حقایق التفسیر سلمی* این قول، ذیل آیه مزبور ذکر نشده است.

## منابع

قرآن کریم.

- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن (۱)، *المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم*، حیدرآباد، ۱۳۵۹.
- \_\_\_\_\_ (۲)، *تلبیس ابلیس*، راجع النسخه و ضبط اعلامها لجنة من العلماء باشراف الناشر، دارالکتب العلمیه بیروت، الطبعة الثانية، ۱۴۰۷ق / ۱۹۸۷م.
- ابن خمیس موصلی، حسین بن بصر بن محمد، *مناقب الابرار و محاسن الاختیار فی طبقات الصوفیه*، تحقیق و تقدیم سعید عبد الفتاح، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۷.
- اصفهانى، ابونعمیم احمد بن عبدالله، *حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء*، دارالفکر، بیروت، بی تا.
- انصاری، خواجه عبدالله، *طبقات الصوفیه*، با تصحیح و حواشی عبدالحی حبیبی، انتشارات فروغی، تهران، ۱۳۸۰.
- بروکلمان، کارل، *تاریخ الادب العربی*، الجزء الرابع، نقله الى العربیة السید یعقوب بکر و رمضان عبد التواب، دارالمعارف، مصر.
- ثعلبی، ابواسحاق احمد، *الکشف و البیان، المعروف بتفسیر الثعلبی*، دراسة ابی محمد بن عاشور، مراجعه نظیر الساعدی، دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۲۲ق / ۲۰۰۲م.
- جامی، نورالدین عبدالرحمان، *نفحات الانس من حضرات القدس*، مقدمه، تصحیح و تعلیقات دکتر محمود عابدی، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۵.
- حاکم نیشابوری، *تاریخ نیشابور*، ترجمۀ محمد بن حسین خلیفه نیشابوری، به اهتمام دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، آگاه، تهران، ۱۳۷۵.
- حمدالله مستوفی، *تاریخ گزیده*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲.
- خلاصه شرح تعرف، بر اساس نسخهٔ منحصر به فرد مورخ ۷۱۳ هجری، به تصحیح دکتر احمدعلی رجایی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۹.
- خواجه محمد پارسا، *فصل الخطاب لوصول الاحیاء*، به اهتمام جلیل مسگرنژاد، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۱.
- داراشکوه، محمد، *حسانت العارفین*، به اهتمام سید مخدوم رهین، موسسه تحقیقات و انتشارات ویسمن، تهران، ۱۳۵۲.
- دانش پژوه، محمدتقی، *فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۸.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام*، ج ۲۴، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، دارالکتب العربی، ۱۴۱۳ق.
- روزبهان بقلی شیرازی، *شرح شطحیات*، به تصحیح هنری کرین، کتابخانهٔ طهوری، تهران، ۱۳۷۴.
- سراج طوسی، ابونصر، *اللمع فی التصوف*، تحقیق رنولدالن نیکلسون، لیدن، بریل، ۱۹۱۴م.



سزگین، فواد، تاریخ نگارش‌های عربی، ترجمه، تدوین و آماده‌سازی: موسسه نشر فهرستگان، تهران، ۱۳۸۰.

سلمی، ابوعبدالرحمن (۱)، طبقات الصوفیه، تحقیق نورالدین شریبه، القاهره، مکتبه الخانجی، الطبعة الثالثة، ۱۴۱۸ق/ ۱۹۹۷م.

\_\_\_\_\_ (۲)، تفسیر السلمی و هو حقایق التفسیر، تحقیق سید عمران، دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۴۲۱ق/ ۲۰۰۱م.

\_\_\_\_\_ (۳)، حقایق التفسیر، ابوعبدالرحمن سلمی، نسخه ش ۱۴۸ ولی دین، مورخ ۶۸۱، فیلم ش ۲۲ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران؛ نسخه ش ۲ مجموعه مشکوة، بی کاتب و تاریخ (حدود سده هفت)، فیلم ش ۲۰۷۷ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه ش ۳۰۸، مجموعه حکمت، فیلم ش ۸۲۳۹، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

سمعانی، ابی سعد بن عبدالکریم، الانساب، تقدیم و تعلیق عبدالله عمر البارودی، دارالجنان، بیروت، ۱۴۰۸ق. سیرجانی، علی بن حسن، البیاض والسواد من خصایص حکم العباد، به اهتمام محسن پورمختار، تهران، ۱۳۹۰. عثمانی، ابوعلی حسن بن احمد، ترجمه رساله قشیریه، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴.

عطار نیشابوری، تذکره الاولیاء، تحقیق رنولد نیکلسون، بریل، لیدن، ۱۹۰۷-۱۹۰۵م. قشیری نیشابوری، ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن، الرسالة القشیریه، تحقیق عبدالحلیم محمود و الدكتور محمود بن الشریف، انتشارات بیدار، ۱۳۷۴.

کلابادی، ابوبکر محمد، التعرف لمذهب اهل التصوف، حقه و قدم له الدكتور عبدالحلیم محمد محمود، طه عبدالباقی سرور، القاهره، ۱۳۸۰ق.

مستملی بخاری، اسماعیل بن محمد، شرح التعرف لمذهب التصوف، مقدمه و تصحیح و تحشیه محمد روشن، اساطیر، تهران، ۱۳۶۳-۱۳۶۶.

منزوی، احمد، فهرستواره کتاب‌های فارسی، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۲. هجویری، علی بن عثمان، کشف المحجوب، تصحیح والننتین ژوکوفسکی، لنینگراد، ۱۹۲۶ [افست ایران، کتابخانه طهوری، ۱۳۷۶].

واسطی، ابوبکر، [رساله در حد]، مندرج در مجموعه شماره ۲۰۵۲ کتابخانه ایاصوفیا، کتابت مبارک بن اصیل، مورخ ۶۸۵-۶۸۷، گ ۱۹۹-۲۰۱ر.

Ivanow, wladimir, *Concise Descriptive Catalogue of Persian Manuscripts in the Collection Asiatic Society of Bangal, Caicutta, 1924-1929.*



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی